

## تو مثل ...

آتوسا صالحی

تو مثل سیب نیستی  
خوش آب و رنگ و دل فریب  
اگر چه در دلش صدای کرم‌هاست  
نه مثل کشتی شکسته بادبان  
که بی‌جهت به دست موج‌ها رهاست

تو مثل سیل نیستی  
که آب را  
به کام سبزه و جوانه زهر می‌کند  
نه مثل همکلاسی پریده‌رنگ من  
که تا دلش گرفت  
به خاطر مداد زرد  
و خطکش سفید قهر می‌کند

تو مثل سایه نیستی  
که چون کلاغ شب برنده می‌شود  
تمام خاطرات روز را ز یاد می‌برد  
نه مثل عابری اسیر  
که جای شاخه‌های امن و آسمان باز  
قفس برای شادمانی پرنده می‌خرد

تو مثل چیستی؟  
تو مثل کیستی؟

